

دکتر یحیی اسفرجانی

## بحثی روانشناسی

### بزهکاری در نوجوانان

فاضل دانشمند آقای دکتر یحیی اسفرجانی که در علم شریف روانشناسی و علوم اجتماعی دارای تحقیقات و تنبیهات عمیقی میباشد مقاله محققانه زیر را برای درج در ارمنان ارسال داشته‌اند که قسمتی از آن در این شماره و بقیه در شماره آینده بچاپ خواهد رسید.

بزهکاری نوجوانان از زمانی که مظاهر تمدن غربی نمایان شده بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. واضح است که انسان به پیشرفت‌های علمی و صنعتی بزرگی نایل شده و در زمینه تولید و تبدیل مواد با کشفیات و اختراعات بزرگی دست زده و تأمین نیازمندی‌های ضروری بشر از نظر روان بحد ممکنه خود رسیده است. اما با پیشرفت و توسعه صنعتی و بزرگ شدن شهرها اشکالات دیگری در زمینه‌های مختلف بوجود آمده است که تا حدی نابسامانی اجتماعی را نوید میدهد.

ترکیب خانواده تغییر یافته و جمع خانواده بحد اقل تنزل نموده است. از عمو و عمه و خاله زاده خبری نیست. خانواده فقط شامل پدر است و مادر که بعضی اوقات از اینهم کمتر شده، چه جدائی میان پدر و مادر امری است که زیاد مشاهده می‌شود. تازه اگر جدائی هم صورت نگیرد اعضای خانواده خیلی کم با هم خواهند بود چه پدر مجبور است برای نیازمندیهای خانواده که روز بروز بیشتر می‌گردد مدت بیشتری کار کرده و از خانواده دور باشد. بعضی اوقات مادر نیز برای کمک به هزینه خانواده مدت زیادی را از خانه بیرون خواهد بود، شب‌نشینی و شب‌زنده‌داری که از مظاهر

دیگر تمدن غرب می باشد عامل دیگری است که فرزندانرا کمتر در دامان پر مهر و محبت والدین قرار میدهد. بدیهی است در يك چنین اجتماعی مسأله بزهکاری در نوجوانان چشمگیر خواهد بود.

جنایتکاری و بزهکاری از نظر حقوقی در کشورهای مختلف دارای مفاهیم روشن و محدودی است. بین بزهکاری و جنایتکاری از لحاظ معنی و مفهوم تفاوتی نیست فقط تفاوت از این نظر است که بزهکاری به ارتکاب جرمهایی اطلاق میگردد که کمتر از سن معینی بوقوع پیوسته اند که تعیین میزان این سن بستگی بقانون و جوامع مختلف دارد. **بررسی بزهکاری در نوجوانان** برای بررسی بزهکاری در نوجوانان باید مسأله فوق را از نظر اجتماعی در روانشناسی مورد بررسی قرار دهیم.

**از نظر جامعه شناسی** - يك تعريف محض روانی یا اجتماعی که کلیه بزهکاران را در سراسر دنیا در برگیرد وجود ندارد. قوانینی که بزهکاری را تعریف می کنند بر حسب دولتها متفاوتند مثلا ممکن است در کشوری نوجوانی را بعلت کشیدن سیگار در ملاء عام بدادگاه بکشاند و در کشور دیگری عدم اطاعت از پدر و مادر جرم شناخته شود و از این قبیل.

**از نظر روانشناسی** - اما از نظر روانشناسی نیز طریقه ای که پلیس یا پزشک قانونی کاملا بتواند يك نوجوانرا غیر طبیعی معرفی کند وجود ندارد چه نوجوانان بزهکار عین افراد معمولی هستند. بطوریکه والتر اشتاین از نظر آماری تحقیق نموده ۹۹٪ افرادی که مورد تحقیق قرار گرفته اند بنوعی از جنایات یا بزهکاریها که در مجموعه قوانین جزائی ایالت نیویورک مشخص شدند دست زده و هیچگاه قانون به آنها دسترسی پیدا نکرده است.

از طرف دیگر نمیتوان گروه بزهکاران را از نظر روانی متجانس دانست و وجه تمایزی بین بزهکار و غیر بزهکار نیست. یکی از روانشناسان در این مورد اظهار نظر

نموده که پیداکردن وجه شباهت روانی بین افراد مختلفی که بزهار نامیده میشوند مانند اینستکه ما در اجتماع تمام افرادی را که دارای چشم آبی و کفش قهوه‌ای هستند درهم جمع کرده و بخواهیم شرایط و حالت روانی آنها را با فرمول مشخص تعریف نمائیم. پرواضح است که نمیتوان منکر هر نوع همبستگی بین بزکاری و پاره‌ای از اختلالات روانی بود بعبارت دیگر روانشناس به این نتیجه میرسد، که در چهارچوب يك اجتماع و یا حتی يك گروه پاره‌ای از افراد میتواند خود را تابع قواعد و قوانین مورد قبول اجتماع قرار دهند ولی پاره‌ای از افراد نمی‌توانند در خود يك چنین سازگاری بوجود آورند. بزهاران در شمار این افراد قرار میگیرند از طرفی نیز واضح است که تمام ناسازگاران بزهار نمی‌باشند. چه تمام قوانین و اصول يك اجتماع لزوماً نمی‌توانند مورد احترام و رعایت همگان قرار گیرد و انگهی غالباً در بسیاری از محلات شهرهای بزرگ و همچنین در شرایط استثنائی منجمله شرایط زمان جنگ و یا انقلاب بزکاری بمنزله رفتاری سازش یافته و تناسب با شرایط خاص گروه تلقی میشود.

فقدان گزارشهای دقیق و عوامل اصلی جرائم در حقیقت مشکل بررسی نابسامانها را دشوار میکند و در حقیقت عملی که باید بیشتر مورد مطالعه قرار گیرد بقدری متعدد است که حتی با بهترین وسائل و امکانات علمی امروزی نیز نمیتوان آنها را مشخص نمود همچنین روشهای آماری نیز در مقایسه افراد بنحار و نابهنجار به نتایج قانع کننده‌ای نائل نگردیده‌اند.

روانشناسان و جامعه‌شناسان در کشورهای مختلف نیز در زمینه‌های مختلف مطالعات کافی نموده‌اند که متأسفانه تاکنون با هم مقایسه نشده است. جامعه‌شناسان معتقدند باید بررسی روانی جرهاران نادیده گرفت به این دلیل که روانشناسی یا بررسی فرد نمیتواند نتایج اجتماعی بزکاری را توجیه نماید و شاید این مطلب تا اندازه‌ای قابل قبول باشد.

ولی آنچه مسلم است بدون فهم و شناخت مسائل فردی تحقیقات در باره بزهکاری از زاویه جامعه‌شناسی چندان مثمر ثمر نخواهد بود. روانشناسی میتواند بسیاری از مسائل مربوط بزهکاری را روشن نموده و سایر محققان با استفاده از کشفیات روانشناسی خواهند توانست در تحقیقات خود پیشرفت نمایند. حال از خود خواهیم پرسید چرا دانشمندان بیک نتیجه کلی نرسیده اند برای جواب به این سؤال باید بدو مطلب توجه داشت.

اول اینکه صاحبان آراء و عقاید با ایمان گاهی آرام و گاهی خروشان از نظرات خود دفاع نموده اند. دوم اینکه هیچیک از آنان نمیتوانند بصورت عینی و تجربی صحت نظرات خود را به دیگری بقبولانند چون مشکل واقعی بررسی مسأله بزهکاری یکی اینستکه عواملی را که باید مورد مطالعه قرار داد بقدری متعدد است که اشتباهاتی که بر اثر عدم ملاحظه پاره‌ای از عوامل حتی در دقیق ترین تحقیقات ممکن است رخ دهند فراوانند چه همینطور که ذکر شد در این زمینه امکان آزمایش و تجربه وجود ندارد.

**علل بزهکاری.** علل بزهکاری متفاوت است و میتوان عوامل و شرایطی را که در بزهکاری توجوانان مؤثر میباشد بدو دسته اصلی تقسیم نمود.

- ۱- عوامل شخصی یا فردی که مربوط به شخص بزهکاری باشد.
- ۲- عوامل و شرائط خانوادگی و اجتماعی و محیطی که از عوامل شخصی بمراتب مهمتر است.

**عوامل شخصی.** برای اینکه بتوانیم مطلب فوق را کاملاً تشریح کنیم باید یکی از مسائل مهم روانی که عکس العمل فرد است اشاره کنیم. میدانیم شخص در مقابل ضربه یا تکان یک نوع حالت تشنجی در او بوجود می‌آید و عمل می‌بینیم که این حالت در افراد مختلف متفاوت است یعنی ممکن است یک فرد را با تحریک

مختصری بحالت تشنج در آورد در حالیکه در مورد فرد دیگری تحریک شدید تری لازم است و باین نتیجه میرسیم که افراد در مقابل تحریکات مختلفی که برارگانسیم آنها وارد میشود متفاوت هستند .

مسأله دیگری که باید بیان نمود زمینه انفعالی افراد است . منظور ما از زمینه انفعالی جنبه‌های ارثی نیست بلکه در مفهوم و چهارچوب وسیعتری دور میزند که هم شامل عوامل ارثی و فطری است و هم عوامل اجتماعی را که متدرجاً در شخص تأثیر کرده شامل میشود .

**عوامل اجتماعی.** برای بررسی این عوامل باید کودک را از بدو تولد تا رسیدن بسن جوانی مورد مطالعه قرار داد که کودک در این مدت سه دوره را باید پشت سر بگذارد . دوره اول اصل لذت است بدین معنی که کودک در دو سال اول زندگی بدنبال آنچه مطبوع است میرود و از نامطبوع میگریزد . در دوره دوم باینستکه اصل لذت از بین نمیرود ولی کودک متدرجاً در برخورد با محیط و بوجود آمدن یکنوع واقع بینی که دستگاه روانی ما بیشتر از اصل واقعیت تبعیت میکنند شخصیت او نضج میگیرد و در مرحله سوم که مرحله دوران بلوغ است اصل تجسس و درک ارزشها در نظر فرد حائز اهمیت میشود . در این سه مرحله است که باید مفهوم سازش و تعادل جوئی را با مفهوم عدم سازش در نظر گرفت بدین معنی که در این دوران دستگاه روانی ما تحول پیدا میکند و ما را در مراحل گوناگون قرار میدهد یعنی این دوره مرحله ایست که شخص را سازگار یا ناسازگار میسازد و بطوریکه قبلاً نیز گفته شد بزهاران را باید در بین ناسازگاران اجتماع جستجو نمود .

**بررسی عوامل اجتماعی .** برای روشن شدن موضوع بهتر است که کمی بعقب برگردیم . در قرن ۱۹ دانشمندان دو عقیده متضاد داشتند و هر کدام در مورد عقیده خود

پافشاری می‌کردند. دسته‌های بزه را يك عامل ارثی میدانستند و معتقد بودند این مسأله منشاء بدنی دارد و مبتنی بر این عقیده بودند که جانی بالفطره صحیح است اما در مقابل عده دیگری معتقد بودند که عامل اجتماعی است که در ارتکاب جرم و بزه مؤثر میشود .

فرانسویان باستناد این عقیده می‌گویند هر مدرسه ایرا که باز میکنیم در حکم بستن يك زندان است . ولی باین سادگی نمیتوان اظهار نظر نمود چه بعضی اوقات بزهارکسانی دیده میشوند که هیچ نوع اثر جسمی و روانی در آنها دیده نمیشود و پیدا کردن منشاء اجتماعی نیز کار بسیار مشکلی است . پس باید گفت عوامل مختلف است مخصوصاً اثر تدریجی محیط در اشخاص بی نهایت مؤثر است برای بررسی این عامل کفایت که ما اشخاص بزهارکار را که هیچ نوع منشاء جسمی در آنها دیده نمیشود مورد مطالعه قرار داده و عوامل اجتماعی را که در سالهای مختلف بر روی آنها اثر داشته است بررسی نمائیم و بالعکس برای تشخیص اثر روانی اشخاص در این باره بهتر خواهد بود که بزهارکارانیرا که ناراحتی روانی دارند در يك مرکز پزشکی مخصوص قرار دهیم تا تأثیر متقابل هر يك از عوامل را بتوانیم بر روی دیگری تجربه نمائیم . آنچه که بیشتر بررسی‌ها نشان میدهند اینست که معمولاً وقتی که در جامعه‌ای ثبات و پایداری اجتماعی وجود نداشته باشد مثل زمان جنگ و انقلابات طبیعتاً میزان بزهارکاری رو به افزایش است و هر قدر اجتماعی پایدارتر باشد از میزان بزهارکاری کاسته میشود این مطلب مؤید اینستکه شرایط اجتماعی را در سطح وسیعی در مد نظر خود قرار دهیم .

عوامل اجتماعی اعم از شورش . فقر جنگ و انقلابات صنعتی و شهر نشینی بیشتر بر روی افرادی مؤثر اند که کمتر میتوانند خود را با عوامل محیطی سازش دهند .

**عوامل اجتماعی ثانوی .** قبلاً در مورد عوامل اجتماعی بمعنای وسیع و کلی گفته شد اکنون از عوامل ثانوی یعنی مطبوعات، رمانهای پلیسی، رادیو، تلویزیون، سینما والکل صحبت میکنیم اگر این عوامل را ثانوی یا فرعی قلمداد میکنیم باین علت است که خود جزئی از عناصر محیط میباشد با پیشرفت تکنیک این عوامل بیشتر بچشم میخورند واضح است در شهرها و نقاطی که مجموعه این عوامل بیشتر باشد اثر آنها نیز بیشتر خواهد بود و در جوامعی مثل جامعه‌های روستائی کشور خودمان که سواد مردم در سطح پائین تری است مطبوعات و رمانهای پلیسی نقشی ندارند و سینمایی هم وجود ندارد که اطفال و نوجوانان بر موز و حقایق جرائم و روشهای خاصی آن عادت کنند و بهمین علت است که میزان بزهکاری در این قبیل جوامع نیز خیلی کم میباشد. در این مورد روانشناسان و جامعه شناسان نظرات مختلفی دارند بعضی همینطور که رمانهای پلیسی، رادیو و تلویزیون اثر مستقیم روی اطفال باقی میگذارند و آنها را در جهت شرارت سوق میدهند اما برعکس کسانی نیز پیدا میشوند که معتقدند رادیو و مطبوعات و تلویزیون و غیره علاوه بر اینکه تأثیر بدی روی اطفال باقی نمیگذارند برعکس موقعیتی برای آنها فراهم میکنند تا آنها بتوانند از خوی ستیزه جوئی خود بکاهند در بین این دو گروه باید قائل بیک حد متوسطی شد و واقعاً نمیتوان بزهکار را فقط در این عوامل جستجو نمود و همچنین نمیتوان نقش این عوامل را نادیده گرفت. بدیهی است هنوز در مرحله‌ای نیستیم که بتوانیم بطور قاطع درباره اثرات این عوامل حکم قطعی بدهیم. چه هنوز راههای عینی و تجربی همبستگی این عوامل را با این مسأله بطریق گویا و آماری پیدا نکرده‌ایم. بخوبی میدانیم که تا مرحله‌ای از رشد تلویزیون و سینما نمیتوانند عملاً اثر ناگوار روی اطفال داشته باشند اما اهمیت مسأله در این موضوع است که ما نباید ذهن کودک را در سالهای اول زندگی بدینوسیله معشوش کنیم نتیجه شنیدن و دیدن این مطالب در بچه‌ها اینست که از هان آنان بیک تفرقه بی‌منطق دچار خواهد شد.